



پاسخ رجبی دوانی به شبهه‌ای درباره نامه پیامبر اسلام (ص) به خسرو پرویز

دکتر محمدحسین رجبی دوانی، استاد تاریخ اسلام در مورد شبهه گفتگوی خسرو پرویز شاه ایران و پیک حضرت رسول(ص) که در فضای مجازی منتشر شده، گفت: اصلاً چنین نقلی وجود ندارد.

دکتر محمدحسین رجبی دوانی، استاد تاریخ اسلام در مورد شبهه گفتگوی خسرو پرویز شاه ایران و پیک حضرت رسول(ص) که در فضای مجازی منتشر شده، گفت: اصلاً چنین نقلی وجود ندارد.

به گزارش خبرنگار مهر، اخیراً در فضای مجازی کلیپ تصویری و پیامکی به صورت گسترده در میان مخاطبان انتشار یافته است که در گفت‌وگو با دکتر محمدحسین رجبی دوانی این شبهه را بررسی کردیم.

در متن پیامکی شبهه مورد نظر آمده است: شاید خیلی از شما دلیل ایمان نیاوردن خسرو پرویز شاه ایران را به اسلام این می دانید که پیامبر مسلمانان اسم وی را در نامه ننوشت و او نامه را پاره کرده، اما بگذارید حقیقت را بازگو کنیم: پیکی از اسلام به ایران آمد خسرو پرویز او را به حضور خواست. از وی درباره اسلام پرسید: وی گفت: در دین ما پرستش خدا مهم ترین مورد است، خسرو پرویز گفت: ما 1100 سال است که خدا پرستیم. پیک گفت: در اسلام زنده به گورکردن دختر کار حرامی است، خسرو پرویز گفت: مگر این کار را انجام می دادید؟ ننگ بر شما! پیک گفت: برده داری در اسلام حرام است. خسرو پرویز گفت: ما از زمان کوروش کبیر برده داری نکرده ایم. پیک گفت: در اسلام همه برابرند. خسرو پرویز گفت: در ایران من هم اگر اشتباه کنم به دادگاه می روم و تا آنجا بحث طول کشید که اسلام چیز جدیدی برای ایران نداشت. خسرو پرویز نامه را پاره کرد، و به پیک گفت: اگر شما هم اکنون می خواهید راه انسانیت را پیدا کنید ما 1100 سال پیش آن را پیدا کردیم.

دکتر محمدحسین رجبی دوانی، استاد تاریخ اسلام در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد این گزارش اظهارداشت: این حرف که خسرو پرویز به فرستاده پیامبر(ص) که عبدالله بن حضافه سهمی بود نگفته است که ما پیش از این دعوت خود موحد بودیم. اصلاً چنین نقلی وجود ندارد. طبق نقل‌هایی که در اختیار داریم پیک پیغمبر(ص) موقعی به خسرو پرویز رسید که او بعد از جنگ‌های 24 ساله با امپراطوری روم و بعد از پیروزیهای بزرگی که به دست آورده بود و مصر و ... را فتح کرده بود، غافلگیر شد و شکست خورد و تمام مناطق مفتوحه را از دست داده بود و داشت قرارداد صلح تحمیلی را امضاء می کرد و باید امتیازاتی زیادی هم به رومیها می داد.

در چنین موقعیتی فرستاده پیامبر رسید و آداب درباری ایرانی‌ها را که باید در مقابل شاه تعظیم و کرنش می کرد را انجام نداد و وقتی نامه حضرت را برایش ترجمه کردند در این نامه قید شده بود از محمد بن عبدالله(ص) بنده و رسول خدا به پرویز بزرگ ایران، اسلام بیاور تا رستگار شوی و در غیر این صورت گناه مردم فارس بر گردن توست. اول اینکه خسرو پرویز در حال و هوای شکست بود و داشت قرارداد صلح تحمیلی امضاء می کرد و امتیاز می داد. ثانیاً از اینکه پیامبر(ص) اسم خودش را مقدم بر او قرار داده بود به شدت ناراحت شد. ثالثاً از اینکه القاب اعلی حضرت همایونی و ... را برایش به کار نبرده بود نیز ناراحت شده بود. بنابراین نامه را مچاله و پرتاب کرد و گفت: اگر فرستاده و پیک نبودی تو را می کشتم.

خسرو پرویز به بازان فرمانروای ایرانی یمن دستور دستگیری و فرستادن پیغمبر به ایران را داد که داستان بازان و برخورد او با پیامبر مفصل است و موضوع بحث شما نیست اما درست است که ایرانی‌ها هیچ وقت بت نپرستیده بودند اما این به معنای توحیدی بودن خالص مذهب ایرانی‌ها نبود. اگرچه نقلها و شواهدی وجود دارد که مجوس که در قرآن ذکر شده و حساب آنها را از مشرکان جدا کرده و آنها را زرتشتی‌ها می دانیم و مسلمانها هم بعد از فتح ایران آیاتی که عنوان مجوس دارد را حمل بر زرتشتیان کردند و آنها را از اهل کتاب به حساب آوردند یعنی آنها هم مثل یهودیان و مسیحیان اهل کتاب و دارای حقوق خاص اهل کتاب شمرده شدند. منتها ما نمی توانیم نه صد در صد تأیید و نه صد در صد رد کنیم که زرتشت پیامبر الهی و آسمانی بوده است.

آنچه مسلم است این است که ایرانی‌ها بت نمی پرستیدند ولی آتش را مقدس می دانستند و قائل به دو مبدأ برای خلقت بودند؛ اهورامزدا خالق نیکی‌ها، نعمتها و روشنایی و اهریمن خالق ظلمتها، بیماری‌ها، شرور و بدبختی‌ها. یعنی اهریمن در اعتقادات آنها با شیطان در اعتقادات اسلامی متفاوت است ما شیطان را مخلوق خدا می دانیم که سرکشی کرده اما آنها اهریمن را در عرض اهورامزدا به عنوان خالق بدیها می دانند. از این جهت به آنها ثنوی مذهب می گفتند. یعنی دو مبدأ برای خلقت قائل هستند. بنابراین نمی توان گفت که آئین ایرانی‌ها توحیدی صرف بوده است.

نکته بعدی اینکه پیامبر(ص) موحدان دیگر را به اسلام دعوت می کرد، یعنی این گونه نبود که هر کس موحد نبود، تکلیفش تمام بود. پیروان آئین یهود که اگرچه تحریف شده بود اما الهی بود و همچنین پیروان آئین مسیح که دین الهی بود اگرچه تحریفاتی پیدا کرده بود به اسلام دعوت شدند. هم یهودیان حجاز که با حضرت برخورد داشتند و هم در عرض دعوت از خسرو پرویز هراکلیوس امپراتور روم را به اسلام دعوت کرد، حتی اگر یهود و مسیحیت تحریف هم نشده بود، با ظهور اسلام چون ادیان قبلی نسخ می شوند دیگر کسی نمی تواند بگوید من موحد و پیرو آئین حضرت موسی(ع) هستم و به پیامبر بعدی ایمان نمی آورم و ... ، این شخص کافر محسوب می شود. بنابراین پیامبر(ص) صرفاً مأموریت دعوت از مشرکان را نداشت و پیروان

ادیان ماقبل اسلام را هم به اسلام دعوت کرد. از این جهت حرفی که مطرح شده کاملاً بی مبناست.

-